

# Guardian Council's Ethical Approaches to Interpreting the Constitution of the Islamic Republic of Iran Concerning the Citizens' Rights and Freedoms

(Type of Paper: Research Article)

Mohammad Mazhari<sup>1</sup> \*, Farzad Jangjooi<sup>2</sup>

## Abstract

Achieving the goals and ideals of the Constitution is the result of implementing the provisions of the Constitution, which requires its interpretation where the provisions of the Constitution are ambiguous, concise, conflicting, or flawed and silent. Various approaches have been proposed regarding interpretation in the science of law and on this basis, the interpretation of the Constitution of the Islamic Republic of Iran can be done from different formal and substantive aspects. The practice of Guardian Council as the interpreter of the Constitution can be classified into three ethical approaches of egoism, deontological ethics, and rule utilitarianism. In the egoism interpretive approach, morality depends on the evaluation of results and achievements to the benefit of the person or organization, in which the norms of the Constitution are threatened. However, in deontological ethics, the Council considers it as its duty to guarantee the rights and freedoms of each citizen regardless of the results and benefits of restricting them. However, in rule utilitarianism, the Council does not put the utility directly into practice, instead it introduces some rules through it whose public acceptance leads to the maximum public good. Indeed, this approach can lead to a stronger and more enforced law and ultimately to the efficiency of the system.

## Keywords

Ethics, Interpretation, Ethical Approaches, Guardian Council, Constitution.

1. Assistant Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Social Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author). Email: m.mazhari@tabrizu.ac.ir
2. Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: F.jangjooi@tabrizu.ac.ir

Received: August 19, 2020 - Accepted: January 25, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## رویکردهای اخلاقی شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی با توجه به حقوق و آزادی‌های شهروندان (نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد مظهري<sup>۱\*</sup>، فرزاد جنگجوی<sup>۲</sup>

### چکیده

اجرای مفاد قانون اساسی، برای دستیابی به اهداف و وصول به آرمان‌های قانون اساسی است، این مهم در مواردی که مفاد قانون اساسی با ابهام، اجمال، تعارض یا نقص و سکوت مواجه است، مستلزم تفسیر این قانون است. رویکردهای گوناگونی در خصوص تفسیر در علم حقوق طرح شده است. رویه شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی در تفسیر اصول قانون اساسی را از منظر اخلاقی دست‌کم می‌توان در سه رویکرد اخلاقی خودگرایانه، وظیفه‌گرایانه و فایده‌گرایی قاعده‌نگر دسته‌بندی کرد. در رویکرد تفسیری خودگرایانه، اخلاقی بودن عمل به‌طور کلی به ارزیابی نتایج و دستاوردها به نفع شخصی و سازمانی منوط است که در این حالت هنجارهای قانون اساسی در معرض تهدید قرار می‌گیرند. این در حالی است که در رویکرد اخلاقی وظیفه‌گرایانه، شورا بدون توجه به نتایج و سود حاصل از تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان، تضمین آنها را برای هریک از شهروندان تکلیف خود می‌داند. اما شورای نگهبان در رویکرد فایده‌گرایی قاعده‌نگر، اصل فایده را مستقیم و بی‌واسطه به عرصه عمل نمی‌آورد، بلکه قواعدی را از طریق آن معرفی می‌کند که پذیرش عمومی آنها موجب خیر حداکثری عمومی می‌شود. طبعاً چنین رویکردی می‌تواند به استحکام و استقرار بیشتر قانون اساسی و در نهایت کارآمدی نظام منجر شود.

### کلیدواژگان

اخلاق، تفسیر، رویکردهای اخلاقی، شورای نگهبان، قانون اساسی.

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).  
Email: m.mazhari@tabrizu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.  
Email: F.jangjooi@tabrizu.ac.ir

## مقدمه

قواعد حقوقی از آنجا که حق و تکلیف را مشخص می‌کنند، باید چنان صریح و روشن باشند که مجریان قادر به اجرای آن قواعد باشند و تابعان آن قواعد، در ادای تکالیف یا استیفا از حقوق خویش با سرگردانی و ابهام روبه‌رو نشوند. اما مسائل جامعه به‌حدی وسیع و پرازویه است که قانونگذار، با وجود تمام مراتب دقت و حزم، قادر نخواهد بود آنچه را که لازم است، پیش‌بینی کند. همچنین با وجود انتظاری که از قانونگذار در بیان قوانین می‌رود، گاهی اوقات زبان قانون اساسی قادر به بیان تمام مطالب نیست. از طرف دیگر، مسائل و تغییر احوال جامعه به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تمام جزئیات را پیش‌بینی کرد. بنابراین قانونگذار به ذکر کلیات و اصول مطالب اکتفا می‌کند و تطبیق جزئیات را به مجریان و توضیح مبهمات را به آیندگان می‌سپارد. بدین ترتیب باب تفسیر در علم حقوق همیشه مطرح است تا به‌راحتی بتوان به حل‌وفصل امور پرداخت (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۴۷). همچنین تغییر یا اصلاح قانون اساسی از شیوه دشوارتری نسبت به اصلاح یا تغییر سایر قوانین برخوردار است و نیز ثبات و دوام قانون اساسی نسبت به سایر قوانین ضرورت بیشتری دارد و اینکه عدول از نصوص قانون اساسی و تجاوز از آن مآلاً به تباهی و فساد قدرت در جامعه منجر می‌شود، از این‌رو تفسیر رسمی و لازم‌الاتباع قانون اساسی از چنان اهمیتی برخوردار است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً بدان توجه کرده و احکام لازم را در این خصوص مقرر و مرجع رسمی تفسیر یعنی شورای نگهبان را که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود (اصل ۹۸)، تعیین نموده است (مهرپور، ۱۳۸۸: ۱۰). بدین ترتیب، صلاحیت تفسیری شورای نگهبان از سوی قوه مؤسس تأیید شده است، اما وظایف این نهاد تنها به تفسیر قانون اساسی محدود نمی‌شود و سایر وظایف همچون مطابقت مصوبات قانونی مجلس با قانون اساسی و شرع، نظارت بر انتخابات و ارائه نظرهای مشورتی در قانون اساسی برای آن پیش‌بینی شده است (گرچی، ۱۳۸۸: ۵۰۷). از نکات حائز اهمیت در تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی، رویکردهای اخلاقی شورای نگهبان در تفسیر است. با توجه به استقصانات انجام‌گرفته، عمده‌ترین رویکردهای اخلاقی شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی، وظیفه‌گرایی اخلاقی است که بدون توجه به نتیجه عمل، پرداختن به حقوق و آزادی‌های شهروندان را در رأس قرار می‌دهد یا خودگرایی اخلاقی است که بدون لحاظ حقوق و آزادی‌های شهروندان، به ارزیابی نتایج و دستاوردها منوط است. اما فایده‌گرایی قاعده‌نگر، می‌کوشد از طریق سنجش اعمال با ملاک قرار دادن قواعد اخلاقی پذیرفته‌شده، باب مفتوح منفعت‌طلبی‌ها و لذت‌جویی‌های جزئی و فردی در اخلاق فایده‌گرایی عمل‌نگر و اخلاق

۱. اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.

خودمحموری را ببندد و بیشترین فایده را برای بیشترین افراد، ذیل قواعد اخلاقی به ارمغان آورد (موفق و هادوی نیا، ۱۳۸۸: ۳۷). با توجه به شمای مذکور در نوشتار حاضر تلاش شده است، تفاسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای اخلاقی مذکور تبیین و بررسی شود. در این باره سؤال اصلی تحقیق این است که نظریات شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی با کدام رویکردهای اخلاقی قابل تبیین است؟ و به چه نتایجی منتج شده است؟ به منظور پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده، ابتدا با ذکر نمونه‌هایی از نظریات تفسیری شورای نگهبان که با رویکرد اخلاقی خودگرایانه تفسیر شده‌اند، بررسی می‌شوند (بند ۱). سپس مثال‌هایی از نظریات تفسیری که مبتنی بر اخلاق وظیفه‌گرایی است، تحلیل می‌شوند (بند ۲). در بند سوم به بررسی اخلاق فایده‌گرایی قاعده‌نگر به‌عنوان یک نظریه بهتر پرداخته می‌شود و در نهایت مهم‌ترین نتایج بحث، همراه با پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

## رویکرد خودگرایی اخلاقی در تفسیر قانون اساسی

### ۱. تعریف خودگرایی اخلاقی

خودگرایی اخلاقی؛ شاخه‌ای از نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایانه آیا غایت‌شناسانه‌تر اخلاق هنجاری است که می‌گوید، آدمی باید هر آن چیزی و فقط همان چیزی را انجام دهد که مصلحت، سود، منفعت، مزایا یا خیر خود او (گروه، حزب و...) را به بیشترین حد برساند (نیگل و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۷). خودمحموری اخلاقی به دو شکل خودمحموری اخلاقی فردی و خودمحموری اخلاقی کلی تقسیم می‌شود. خودمحموری اخلاقی فردی یا شخصی این دیدگاه است که همگان اخلاقاً باید در خدمت منفعت یا خیر شخصی من (یا شخصی خاص) باشند، درحالی‌که خودمحموری اخلاقی کلی می‌گوید که هر شخصی اخلاقاً باید منفعت یا خیر شخصی خود را بجوید (علیا، ۱۳۹۱: ۲۶).

خودگرایی هنجاری که در فلسفه اخلاق به‌عنوان یک نظریه اخلاقی مطرح می‌شود، ملاک و معیار درستی و بایستگی عمل را میزان سود و ثمرات و لذتی می‌داند که برای فرد به‌بار می‌آورد. از این‌رو این نظریه، تنها توصیف صرف از طبیعت آدمی نیست، بلکه وظیفه، تکلیف و الزام اخلاقی اساسی را برای ما مشخص و همه ما را بدان توصیه و تحریض می‌کند. این نظریه اخلاقی را می‌توان به دو نحو دیگر تقسیم کرد. یک شکل از خودگرایی که افراطی‌ترین شکل آن است، معتقد است که همه افراد به لحاظ اخلاقی باید به نفع من عمل کنند. نه تنها خود من

1. Ethical egoism
2. Consequentialism
3. Teleological theories

باید در پی منافع خود باشم، بلکه هر کس دیگری نیز باید به نفع من عمل کند. واضح است دفاع از این نوع خودگرایی بسیار مشکل است. اما شکل دیگر خودگرایی اخلاقی توجهی به افعال دیگران و اینکه باید در پی نفع چه کسی باشند ندارد، بلکه متمرکز بر رفتار خود شخص است. این شکل از خودگرایی به عنوان یک قاعده کلی معمولاً چنین بیان می‌شود، فاعل اخلاقی الف، تنها زمانی فعل ب را انجام دهد که آن عمل در مجموع به نفع فاعل اخلاقی الف باشد.

### ۱. نمونه نظریات تفسیری مبتنی بر خودگرایی

تفسیر شورای نگهبان در برخی از اصول قانون اساسی همچون اصول ۱۷۵، ۴۴ و ۷۶ با رویکرد خودگرایی اخلاقی تبیین‌پذیر است. چنانکه در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲ در خصوص نحوه اداره صداوسیما و خصوصی سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و برداشت‌های مختلفی که از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی پیش آمده بود (با توجه به اینکه اغلب بخش‌های دولتی در اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی سازی شده‌اند)، از شورای نگهبان درخواست تفسیر شد؛ شورای نگهبان در نظریه تفسیری به شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۰۷/۱۰ اعلام کرد: «مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل است. بدینجهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر

۱. اصل ۴۴ قانون اساسی: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زبان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

۲. اصل ۱۷۵ قانون اساسی: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

۳. اصل ۷۶ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.»

همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است. (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۷۸). با توجه به تفسیر اصول ۴۴ و ۱۷۵، شایان توضیح است که دموکراسی بدون وجود رسانه‌های خصوصی بی‌معناست. مردم‌سالاری از هر نوعی که باشد، بدون وجود رسانه‌های دیداری شنیداری، فاقد محتواست، زیرا آزادی بیان با ابزارهای بیان آزاد شناخته می‌شود. در نسبت‌سنجی رسانه و دموکراسی می‌توان گفت، دموکراسی بدون آزادی بیان معنا ندارد و آزادی بیان هم بدون آزادی انتخاب ابزارهای آن مانند صداوسیما، مطبوعات، اینترنت، کتاب و... اساساً موضوعی خالی از معنا خواهد بود (گرچی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). نظریه شورای نگهبان در خصوص اصول ۴۴ و ۱۷۵، به لحاظ اصولی با اشکال دیگری هم روبه‌روست. در این نظریه، به نظر می‌رسد شورا با گسترش انحصارات صداوسیما به توسعه دامنه اصل ۴۴ پرداخته است که می‌توان آن را در حوزه اخلاق خودگرایی بررسی کرد. بند «ب» نظریه تفسیری «انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر همانند ماهواره، فرستنده فیبر نوری و غیره برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» خلاف اصل ۴۴ تعبیر شده است. این در حالی است که انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری در عصر کنونی تنها منحصر به رادیو و تلویزیون نیست و شبکه‌های گسترده اینترنتی نیز با استفاده از سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر قادرند به پخش برنامه‌های صوتی و تصویری بپردازند و این مقوله موضوعات از حوزه صداوسیما خارج است (هریسی‌نژاد و انصاری‌پور، ۱۳۹۳: ۲۸۲).

شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ در پاسخ به درخواست رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس در خصوص تحقیق و تفحص از ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه، بیان کرد: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود» (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). از آنجا که مجلس مظهر اراده عموم و مبین خواسته‌های آنان است، باید به نمایندگی از سوی مردم بتواند از طریق تحقیق و تفحص مراقبت‌های لازم و کافی را نسبت به همه مقامات و نهادهای حکومتی، بدین سبب که با حقوق و آزادی‌های مردم سروکار دارند، به عمل آورد تا بدین وسیله از انحراف اعمال حکومتی جلوگیری شود. قانون اساسی، در این خصوص، اختیار بسیار وسیعی را برای مجلس قائل شده و با ذکر عبارت (تمام امور) در مفهوم عادی، همه مسائل داخلی و بین‌المللی و در مفهوم سازمانی، تمام سازمان‌ها و مقامات، مشمول اصل نظارت مذکور می‌شود. با وجود این اطلاق و عموم مصرح در قانون اساسی، نظریه تفسیری شورای نگهبان گستره نظارت اصل ۷۶ قانون اساسی را شامل مواردی مانند مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق

مجلس شورای اسلامی اند، نمی‌داند. حتی ماده ۱۹۸ آیین‌نامه داخلی مجلس مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۰ برای اجرای اصل مذکور، دستگاه‌های زیر نظر مستقیم مقام رهبری، مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان را مستثنا کرده است، در این خصوص باید توجه داشت که در نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت تمامی مقامات و نهادها حتی نهاد رهبری ناشی از مردم است و اصل «تساوی رهبر با سایر افراد مردم در برابر قوانین» به‌ویژه قانون اساسی، چنین استثنای بی‌مزایایی را به‌هیچ‌وجه نه می‌توان توجیه‌پذیر دانست و نه از افتخارات نظام برشمرد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۳).

همان‌طور که مشاهده شد، نظریه تفسیری اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی با گسترش انحصارات، صداوسیما را دولتی می‌داند، همچنین در نظریه تفسیری اصل ۷۶ قانون اساسی، مقام رهبری و مجلس خبرگان و حتی شورای نگهبان را از تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی موضوع اصل ۷۶ قانون اساسی که بر همه امور جامعه و مقامات اطلاق عموم دارد، مستثنا کرده است. همان‌طور که در تعریف خودگرایی اخلاقی مذکور افتاد، می‌توان گفت در این نظریات به جای بیشینه شدن خیر عمومی و تضمین حقوق ملت با رویکرد قابل تبیین و توضیح با خودگرایی اخلاقی، اقدام به تفسیر شده است.

## ۲. نقد و بررسی نظریات تفسیری اصول ۴۴ و ۱۷۵ و ۷۶ قانون اساسی با اخلاق خودگرایی

از شاخصه‌های رویکرد خودگرایی اخلاقی در نظریات تفسیری اصول ۴۴، ۱۷۵ و ۷۶ قانون اساسی، عدم سنجش دقیق پیامد اعمال، دیدگاه سهل‌انگارانه نسبت به حقوق و آزادی‌های شهروندان و در نظر گرفتن منافع و سود شخصی یا سازمانی هستند که نقد و بررسی می‌شوند:

**الف) عدم سنجش دقیق پیامد اعمال:** با توجه به اینکه پیامدهای هر عملی پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر است و سنجش دقیق آنها، عملاً ناممکن است، چگونه شورای نگهبان در نظریه تفسیری اصول ۴۴ و ۱۷۵ و ۷۶ قانون اساسی، به این نتیجه رسیده است که آزادی رسانه‌ها یا نظارت محدود مجلس (نماد مظهر ملت) بر همه امور می‌تواند به سود و مصلحت حاکمیت منجر شود؟ خودمحوری دیدگاهی نتیجه‌گراست. براساس این دیدگاه، ارزش را برای خودمان در نتایج اعمالمان به حداکثر برسانیم. این قول حکایت از آن دارد که قضاوت صحیح در مورد اینکه چه چیزی درست است، حتی در وضعیتی منفرد مستلزم پیشگویی صحیح در این باره است که از هر فعلی که در آن موقعیت می‌توانید انجام دهید، چه نتایجی به‌بار خواهد آمد. لازمه این پیشگویی هم آن است که بتوانید به‌درستی ارزیابی کنید که آن نتایج در بلندمدت بر خیر شما چه اثری خواهد داشت. ولی پیشگویی قاطعانه نتایج حتی نتایج یک عمل در سرتاسر چنین دوره زمانی بلندی، خلاف ممکنات است (هولمز، ۱۳۹۱: ۱۴۳ و ۱۴۴). بی‌شک دستیابی



به ارزیابی دقیق از نتایج واقعی و یقینی و تشخیص همه پیامدهای (گاه بی‌شمار) یک عمل بسیار دشوار یا ناممکن است، اکتفا و اتکا به تلقی و تصور اجمالی خود از موضوعات پیش رو، در محاسبه پیامدهای احتمالی، بی‌شک ما را در دایره خبط و خطاهای بسیار گرفتار خواهد کرد. از این رو دست یازیدن به محاسبه‌های پیامدگرایانه در لحظه عمل آن‌گونه که خودگراها الزام می‌کنند، به احتمال زیاد، نتایج بدتری از جمله تردید و تحیر یا اشتباه و تعصب‌ورزی به‌بار خواهد آورد (حسینی سورکی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

**ب) دیدگاه سهل‌انگارانه نسبت به حقوق و آزادی‌های شهروندان:** تفاسیر یادشده از شورای نگهبان از اصول ۴۴، ۱۷۵ و ۷۶ قانون اساسی، این‌گونه به ذهن متبادر می‌شود که تجویز و توجیه هر وسیله‌ای برای نیل به اهداف ذهنی درست است. این امر ممکن است پیامدهای ناگواری را به‌بار آورد و به نظر اصول اولیه اخلاقی و ارتکازات درونی و حقوق بنیادین شهروندان را مورد غفلت قرار دهد. در واقع موجب می‌شود که به برخی ارزش‌های اصیل همچون آزادی، نگاهی ابزارگرایانه پدید آید و از سوی دیگر، این احتمال می‌رود که نوع نگاه به همه اصول و ارزش‌های دیگر، از جمله آزادی و حفظ حرمت، حقوق، به‌نوعی با سهل‌انگاری مواجه شوند. از همین روست که بسیاری از لیبرالیست‌های معاصر، نظریه خودگرایی اخلاقی را نقد کرده‌اند (لسناف، ۱۳۷۸: ۶۰۳). افزون بر آن، استدلال نظریه خودگرایی اخلاقی را مبنی بر نادیده گرفتن حقوق فردی و جمعی در تقابل با سود و مصلحت حاکمیت رد کرده‌اند (چنانکه در نظریه تفسیری شورا از اصول ۴۴، ۱۷۵ و ۷۶ آمد) و معتقدند، نگاه ابزاری و مصلحتی به نظریه خودگرایی اخلاقی موجب تهدید یا دست‌کم تحدید آزادی‌های حداقلی می‌شود (بلوم، ۱۳۷۳: ۱۲).

در برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصلحت به‌عنوان محدودیت‌های حقوق و آزادهای شهروندان قلمداد شده است. مصلحت در لغت به معنای سود است و در مقابل مفسده به‌کار می‌رود. در لسان‌العرب آمده است مصلحت، بهبود بخشیدن و شایستگی است (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۹). مصلحت در این معنا امری است که با مقاصد انسان در امور دنیوی و اخروی یا هر دو موافق باشد و نتیجه به‌دست آوردن منفعت یا دفع ضرر باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۹). نکته شایان توجه در این تعریف و سایر تعاریف، این است که در تعریف مصلحت به هر دو بُعد دنیوی و اخروی آن توجه شده است. بنابراین مفهوم مصلحت از مفهوم منفعت گسترده‌تر است، چراکه منفعت، تنها به جنبه دنیوی امور معطوف است (حاج‌زاده، ۱۳۹۴: ۹). با توجه به گستره مفهوم واژه مصلحت، این مفهوم می‌تواند به ابزاری خطرناک برای امحای آزادی تبدیل شود، چراکه آنقدر گسترده است که می‌توان به‌راحتی هر صدای مخالف را به بهانه عدم مصلحت سرکوب کرد. به همین سبب باید توجه

داشت که این واژه به صورت کاملاً مضیق تفسیر شده و از تفسیرهای موسع و جهت‌دار به شدت خودداری شود. از این رو دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد محدودیت‌های آزادی بیان، بر تفسیر مضیق تأکید دارد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). حال با توجه به کلی و قابل تفسیر بودن مفهوم مصلحت، معیار قضاوت درباره مغایرت حقوق و آزادی‌ها با مصلحت کشور، اهمیت ویژه می‌یابد. در برخی کشورها تعیین معیارهای قضاوت درباره مغایرت یا عدم مغایرت آزادی‌ها با مصلحت به عهده دادگاه مستقل است (Subhradipta, 2008: 77). از این رو بهتر است، شورای نگهبان با رویکرد بی‌طرفانه، با توجه به روح حاکم بر قانون اساسی یعنی تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، به دور از اخلاق خودگرایی و به صورت مضیق اصول قانون اساسی را تفسیر کند. اما در قانون اساسی، تبعات ناشی اصل ۱۱۲ انکارناپذیر است. قانون اساسی در مقام تأسیس صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار می‌دارد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند... تشکیل می‌شود». چگونه می‌توان با اینکه شورای نگهبان مصوبه‌ای را خلاف قانون اساسی می‌داند، به بهانه مصلحت باز از تصویب گذراند؟ بی‌شک مصلحت‌اندیشی مستتر در اصل ۱۱۲ قانون اساسی دامن اصول اخلاقی و حقوق آزادی شهروندان در قانون اساسی را خواهد گرفت و شورای نگهبان را در حالت منفعلانه قرار خواهد داد.

**ج) توجه به سود شخصی و سازمانی:** چنانکه گفتیم، در خودگرایی اخلاقی عامل اخلاقی به کسب بیشترین میزان سود شخصی یا سازمانی ملزم می‌شود و در این زمینه چه بسا معاییر اخلاقی و قواعد نادیده گرفته شود. از این نظر خودگرایی اخلاقی، بسیار آسان‌گیر است و دست هر عامل اخلاقی و هر دولت و حکومتی را در انجام هر عملی، به بها و بهانه ایجاد بالاترین منفعت باز می‌گذارد. این در حالی است که مطابق اصل ۹ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». این اصل در حقیقت نمود بینش والای سیاسی-انقلابی مردم پس از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بوده که از ابتدای نهضت انقلاب ایران در قالب شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردمی جلوه‌گر بوده است. بر این اساس تدوین‌کنندگان قانون اساسی خود را ملزم به انعکاس این باور در کلیات قانون اساسی

می‌دانستند با توجه به اینکه یکی از پایه‌های ایمانی نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲ قانون اساسی، اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند شناخته شده است، از این رو از منظر قانونگذار اساسی با توجه به پایه‌های ایمانی مذکور، «اعتقاد و ایمان» به آزادی، خود تضمینی برای حفظ آزادی‌های مشروع افراد است. بدین ترتیب که اصول آزادی، استقلال و تمامیت ارضی لازم و ملزوم یکدیگرند، زیرا نبودن آزادی ابتکارات و مشارکت‌های داوطلبانه مردمی را تضعیف می‌کند و در نتیجه دفاع از کشور و خلاقیت‌های پشتیبان استقلال به حداقل توانایی می‌رسد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). لیکن اصل ۹ (فصل اصول کلی قانون اساسی) بدون هیچ ضمانت اجرای مشخص و بدون ارجاع به قانون عادی، از سوی قانونگذار اساسی به تصویب رسیده است. از این رو شورای نگهبان مشابه دادرسی اساسی و پاسدار این میثاق ملی باید در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی، حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان را سلب یا محدود می‌کند، با استناد به این اصل و از باب مغایرت با قانون اساسی، مانع از لازم‌الاجرا شدن مصوبه مربوط شود. بر همین اساس شورا باید در نظریات تفسیری با ملحوظ کردن روح حاکم بر قانون اساسی که تضمین‌کننده حقوق ملت است، به تفسیر اصول قانون اساسی اقدام کند و به دلیل استقلال یا تمامیت ارضی، با دیده سهل‌انگارانه به حقوق و آزادی‌های شهروندان نگاه نکند.

اخلاق ماهیتی جهان‌شمول دارد و ذاتاً بی‌طرف است. دلیلی وجود ندارد که ما منافع خودمان را ارجح از منافع دیگران بشماریم، همان‌گونه که به‌وضوح دلیلی بر ارجح بودن نژادها، قبایل یا ملیت‌ها در استفاده از حقوق بنیادین انسانی نمی‌توان یافت. این اشکال و استدلال در رد مبانی خودگرایی اخلاقی، بی‌شک از مهم‌ترین اشکالاتی است که بر خودگرایی می‌گیرند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که خودگرایی اخلاقی با توجه به اشکالات، ضعف‌ها و نقایصش، نظریه‌ای پذیرفتنی نیست. اگرچه نظریه‌ای تک‌اصل است و سادگی دارد، الزامی اخلاقی را بر عهده‌عامل اخلاقی می‌نهد و از همین رو نیز به‌ظاهر از تبعات تعارض اصول و الزامات متکثر‌رهایی پیدا می‌کند، اما به‌وضوح اشکالات مبنایی دارد که به برخی از آنها اشاره شد. این نظریه همچنین به دلیل اشکالات پیش‌گفته مقبولیت چندانی ندارد و چندان با عرف و دیدگاه‌های عمومی سازگار نیست (سورکی، ۱۳۸۵: ۲۱۵-۲۱۴). با این وجود این چنانکه اشاره شد، در برخی نظریات تفسیری از جمله اصول ۴۴، ۱۷۵ و ۷۶ قانون اساسی، رویکرد اخلاقی شورا قابل تبیین با خودگرایی اخلاقی بوده است که با غفلت از حقوق و آزادی‌های شهروندان در تأمین منافع ارگان‌ها و سازمان‌های حکومتی یا حتی خود مفسر قانون اساسی انجام گرفته است.

## رویکرد وظیفه‌گرایی اخلاقی در تفسیر قانون اساسی

### ۱. تعریف وظیفه‌گرایی اخلاقی

نظریات وظیفه‌گرایانه برخلاف خوبی یا بدی نتایج یک عمل یا قاعده که نظریات غایت‌انگراانه اثبات می‌کنند، ملاحظاتی را در کار می‌آورند که می‌تواند یک عمل یا قاعده را صواب یا الزامی گرداند؛ یعنی وجوه خاصی از خود عمل، غیر از ارزشی که به‌وجود می‌آورد (فرانکنا، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰). به‌عبارت دیگر، وظیفه‌گرایان معتقدند که عمل یا قاعده عمل می‌تواند اخلاقاً درست یا الزامی باشد، حتی اگر بیشترین غلبه خیر بر شر را برای خود شخص، جامعه یا جهان به‌وجود نیاورد. آن عمل یا قاعده عمل ممکن است صرفاً به‌دلیل واقعیت دیگری که مربوط به آن است، یا به‌دلیل طبیعت خودش درست یا الزامی باشد (فرانکنا، ۱۳۹۲: ۴۷). در واقع، در وظیفه‌گرایی ملاک سنجش افعال اخلاقی وظیفه است و حقانیت افعال از یک الزام ناشی می‌شود؛ الزامی که در خود عمل نهفته است و در نتیجه درستی و نادرستی افعال از ذات خود فعل برمی‌خیزد؛ یعنی فعل خوب قطع‌نظر از پیامدهایش ذاتاً سزاوار تحسین است و فعل بد ذاتاً سزاوار تقبیح. در وظیفه‌گرایی، رفتار درست براساس تکلیف معین می‌شود و رفتاری که خیر (سود) را به حد عالی می‌رساند، لزوماً درست نیست. بر همین مبنا، اعمالی چون دروغ‌گویی، خیانت و ارتکاب جرائم و جنایات در هر حال مذموم‌اند و کنش‌هایی مانند راستگویی، وفای به عهد، احترام به دیگران، نیکوکاری و رعایت قوانین در هر شرایطی ممدوح‌اند (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

### ۲. نمونه نظریات تفسیری مبتنی بر وظیفه‌گرایی اخلاقی

نمونه‌های نظریات تفسیری شورای نگهبان که بر مبنای رویکرد اخلاقی وظیفه‌گرایانه قابل تبیین هستند، مربوط به اصول ۲۲ و ۶۹ قانون اساسی است. در نظریه تفسیری شورا از اصل ۲۲ قانون اساسی (به شماره ۳۵۲۵/۶۰) در خصوص درخواست سوابق داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی که از سوی متصدیان وزارت کشور صورت می‌پذیرد، شایان توجه است: «به‌طور کلی اطلاع دادن از سوابق مربوط به تعرض به حیثیت اشخاص طبق اصل ۲۲ قانون اساسی در غیر مواردی که قانون تجویز می‌نماید، جایز نیست» (فتحی و کوهی اصفهانی،

#### 1. Deontological theories

۲. اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

۳. اصل ۶۹: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود...»

۱۳۹۷: ۶۷). اصل ۲۲ قانون اساسی در مقام تأسیس اصل و قاعده‌ای است که به شکل عام در قسمت اول اصل بیان شده است. آنچه در ذیل اصل آمده استثنایی بر این قاعده است؛ به عبارت دیگر، اصل بر آزادی افراد و تعرض ناپذیری حقوق ذکر شده برای ایشان در صدر این اصل است. قانونگذار عادی در درجه اول و نهاد نگهبان قانون اساسی یعنی شورای نگهبان در درجه بعد، باید کاملاً مراقبت کنند تا استثنائات قانونی وارد بر صدر این اصل، دایره شمول صدر اصل را به گونه‌ای تنگ نکنند که مصداق «تخصیص اکثر» شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شورا در پاسخ به استفساریه، رعایت اصل اخلاقی حیثیت اشخاص را اولی بر حفظ سوابق طبقه‌بندی شده می‌داند و اعلام می‌دارد که افشاگری و برملا کردن اسرار اشخاص اگر به تعرض و حیثیت آنها منجر شود، جایز نیست.

نمونه دیگر اصل ۶۹ قانون اساسی است که شورای نگهبان در راستای پاسخ به نامه رئیس مجلس وقت (به شماره ۷۷/دال هـ تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶) در خصوص نحوه انتشار مشروع مذاکرات مجلس و محدود ساختن آن، نظر تفسیری خود را به شماره م/۵۴ تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ چنین مقرر داشته است: «اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که باید گزارش کامل مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو و روزنامه رسمی منتشر شود. بنابراین اکتفا به دو طریق پیشنهاد شده خلاف قانون اساسی می‌باشد» (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۹۶ و ۹۷). در تحلیل نظریه تفسیری اصل ۶۹ قانون اساسی می‌توان گفت، از نظر شورا جلسات مجلس، نمایش رسمی ایفای کارکردهای مهم قوه مقننه به شمار می‌رود. کیفیت تشکیل و رسمیت جلسات و چگونگی برگزاری آنها از جمله امور مهم در نحوه ایفای وظایف پارلمان محسوب می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تأکید دارند، مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع مردم منتشر شود. اصل علنی بودن مذاکرات مجلس امری منطقی و مهم به نظر می‌رسد، چراکه یکی از طرق تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی، علنی بودن جلسات مجلس است. بدین ترتیب که شهروندان از کیفیت کار منتخبان خود آگاهی پیدا می‌کنند و در این صورت کار مجلس در انظار عام قرار می‌گیرد و افکار عمومی قادر به ارزیابی کردار سیاسی نمایندگان خواهد بود. بی‌شک برقراری چنین ارتباطی موجب ارتقا و رشد فکری و سیاسی مردم می‌شود و آنان را نسبت به مسائل سیاسی اجتماعی خویش علاقه‌مند می‌سازد و راه را برای تبادل نظرهای بین مردم و نمایندگان منتخب خود باز می‌گذارد؛ در این حالت است که مجلس با درک مفاهیم و افکار عمومی، قادر به تصویب قوانین متناسب و معقول خواهد بود و در صورت تأیید نهایی طرح‌ها و لوایح، فهم قانون و در نتیجه اجرای آن تسهیل می‌شود (مظهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹۰). بنابراین، شورای نگهبان با استفاده از نظر تفسیری خود بر حقی که مطابق اصل ۶۹ قانون اساسی برای شهروندان مقرر شده، صحه گذاشته است.

در نظریات تفسیری از اصول ۲۲ و ۶۹ قانون اساسی صرفاً با توجه به درستی عمل یعنی مصونیت حیثیت شخصی و اصل علنی بودن مجلس که مردم از امور عامه و مهم کشور مطلع می‌شوند و از مصادیق حقوق و آزادی‌های شهروندان محسوب می‌شود، شورا به اعلام نظریه تفسیری پرداخته است. این رویکرد بر پایه بیشینه کردن خیر و منفعت نیست و چون عمل حفظ حیثیت اشخاص و اصل علنی بودن جلسات مجلس فی‌نفسه از لحاظ اخلاقی صحیح و دارای ارزش است، مورد توجه نهاد مفسر قرار گرفته‌اند. از این رو با توجه به تعاریف ارائه‌شده از اخلاق وظیفه‌گرایی، اصول ۲۲ و ۶۹ قانون اساسی قابل تبیین با این رویکرد است.

## ۲. نقد و بررسی نظریات تفسیری اصول ۲۲ و ۶۹ قانون اساسی با اخلاق وظیفه‌گرایی

توجه به حقوق و آزادی‌های شهروندان از طریق عمل صحیح، حفظ ارزش‌های اخلاقی و بی‌توجهی به نتیجه عمل در تحلیل نظریات تفسیری اصول ۲۲ و ۶۹ قانون اساسی با اخلاق وظیفه‌گرایی قابل توجه و بررسی است:

**الف) توجه به حقوق و آزادی‌های فردی با تأکید بر عمل صحیح:** در بررسی این رویکرد می‌توان گفت که شورا نقش مثبتی داشته است، چون در تفسیر قانون اساسی، حامی و نگهبان حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود. به همین سبب وقتی میان اعمال قوای تأسیس‌شده و قانون اساسی که مردم وضع کرده‌اند، تعارضی پیش می‌آید، این نهاد، حقوق و آزادی‌های مردم را براساس رویکرد وظیفه‌گرایی اخلاقی مرجح و برتر اعلام می‌دارد. از این رو، شورای نگهبان با رویکرد تفسیری وظیفه‌گرایی اخلاقی، می‌تواند تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد. به بیان دیگر در این رویکرد مقام مفسر هرچند اختیار عمل وسیعی در خلق قواعد حقوقی با توجه به شرایط زمانی و مکانی دارد، لکن در هر صورت، در تفسیر خود ارزش‌های اصیل اخلاقی جامعه و سیاست‌های عمومی مثل انصاف و قواعد دموکراتیک را رعایت می‌کند (Adams, 2005: 79).

ملاک مشهور برای وظیفه‌گرایی، تمایز آنها براساس توجه به رابطه خوب و درست و مقدم دانستن یکی بر دیگری است. بر همین اساس وظیفه‌گرایی را نظریه یا نظام اخلاقی می‌دانند که بر مفهوم تکالیف (و حقوق) و آنچه درست است، مبتنی بوده و بر آن است که پاره‌ای ویژگی‌ها در خود فعل اخلاقی ارزش ذاتی دارد. اخلاق وظیفه‌گرایانه در تقابل با نتیجه‌گرایی که بر تحصیل نتیجه یا وضعیتی خوب تکیه می‌کند و نیز در تقابل با اخلاق فضیلت بنیاد که بر سیرت یا منش فاعل تأکید می‌ورزد، قائل به آن است که تکلیف و توصیه بر ارزش و ارزش‌گذاری تقدم دارد و عملی درست است که به انگیزه ادای تکلیف انجام گیرد (علیا، ۱۳۹۱: ۲۱). از این منظر، آنچه تکلیف شورای نگهبان است، باید انجام گیرد، فارغ از نتایجی که از آن

پدید می‌آید. به‌طور مثال، اصل علنی بودن مجلس شورای اسلامی که موجب آگاهی مردم از وضع امور می‌شود، درست است، حتی اگر سبب رنج یا آسیب شود و هتک حیثیت اشخاص نادرست است، حتی اگر نتایج خوبی به‌بار آورد.

**ب) حفظ ارزش‌های اخلاقی:** معیار مهم دیگری که برای تشخیص وظیفه‌گرایی ارائه شده است، نحوه واکنش آن به ارزش است (کرسگارد، ۱۳۷۶: ۱۱۰). ارزش‌های اخلاقی اصول و قوانینی هستند که مینا و چارچوب تصمیم‌گیری‌های ما را شکل می‌دهند. بر مبنای آموزه‌های اخلاق وظیفه‌گرایی، وقتی در وضعیتی قرار می‌گیریم که مجبور باشیم از بین چند گزینه، یکی را انتخاب کنیم، ابتدا گزینه‌هایی را که با ارزش‌های اخلاقی و قانونی سازگار نیستند، کنار می‌گذاریم و سپس، از میان آنچه باقی مانده، بهترین گزینه را انتخاب می‌کنیم. برای نمونه، در نظریه تفسیری اصل ۲۲ قانون اساسی، شورای نگهبان با صحنه گذاشتن بر ارزش حیثیت اشخاص و تأکید بر حفظ آن، از بین تفاسیر مختلفی که می‌توانست ارائه کند، حفظ و صیانت از آبرو و عرض را پذیرفته و تأکید داشته است که به‌طور کلی طبق اصل ۲۲ قانون اساسی اطلاع دادن از سوابق مربوط به تعرض به حیثیت اشخاص در غیر مواردی که قانون تجویز می‌کند، جایز نیست.

**ج) بی‌توجهی به نتیجه عمل:** همان‌طور که گفتیم، در خودگرایی اخلاقی به خوبی نتایج و ارزشمند بودن آن برای فاعل یا سازمان می‌نگرد؛ ولی وظیفه‌گرایی به اصول اخلاقی مانند آزادی، عدالت، احترام به حقوق اشخاص، وفاداری به حقیقت در رابطه با دیگران، صرفاً به‌عنوان اینکه آنها یک شخص هستند، توجه می‌کند. مفهوم شخص انسانی مفهومی بنیادی در چنین اصولی است (اترک، ۱۳۸۹: ۳۱). به بیان دیگر در رویکرد وظیفه‌گرایانه، شورای نگهبان، توجه نمی‌کند که سود حاصل از آزادی یک شخص چه نفعی به حال جامعه دارد، فقط با توجه به قانون اساسی و اصول مربوط به حقوق و آزادی‌های شهروندان، مهم این است که هر شهروند (حتی یک نفر) از حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته‌شده بهره‌مند شود و از مواهب آن استفاده کند. به تعبیری دیگر، شورای نگهبان با تفسیر وظیفه‌گرایانه از اصول قانون اساسی این امکان را برای هر فرد و گروهی فراهم می‌آورد تا براساس آن وضع فرد را سروسامان دهد تا استعداد طبیعی خود را به کار اندازند. بدین ترتیب در این نوع تفسیر حقوق و آزادی‌های شهروندان که در چارچوب قانون اساسی شکل گرفته‌اند، بدون هرگونه مصلحت‌سنجی تأکید و اجرا شوند. از این‌رو در رویکرد وظیفه‌گرایانه اخلاقی شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

با همه این اوصاف شایان ذکر است، همواره مطلق بودن قواعد وظیفه‌گرایانه، نه‌تنها برای وظیفه‌گرایان، بلکه برای کسانی که مطابق آنها عمل می‌کنند، مسئله‌ساز بوده است، زیرا براساس آنها هیچ استثنایی وجود ندارد. اما در زندگی واقعی هر روز با مواردی روبه‌رو می‌شویم که ما را مجبور

می‌کنند، تا استثنا قائل شویم. بنابراین مطلق بودن چنین اصول و قواعدی به نظر درست و صحیح نمی‌رسد. در حیات واقعی نیز، افراد دارای وظایف، علایق و مسائل و مشکلات مختلفی‌اند که هر کدام احکام متفاوت را می‌طلبد. از این رو در مقام تعارض تکالیف برای فرد، رویکرد وظیفه‌گرایانه کمک چندانی به ما نمی‌کند؛ بنابراین مطلق بودن تکالیف در چنین شرایطی با تردید مواجه است. برای مثال با دقت در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تمام ارکان نظام باید در انجام وظایف خود (از جمله شورای نگهبان، باید هنگام ارائه نظرات تفسیری) به آن توجه کنند، محدودیت‌هایی از جمله رعایت مبانی اسلام، رعایت مصالح، حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی برای حقوق و آزادی‌های شهروندان است (قطبی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ۷۴). از این رو شورای نگهبان با توجه به قانون اساسی محدودیت‌هایی دارد و نمی‌تواند همه حقوق و آزادی‌های شهروندان را مطابق با اخلاق و وظیفه‌گرایانه تضمین کند. همچنین بیشتر فیلسوفان بر این باورند که استدلال اخلاقی وظیفه‌گرایان، تنها نشان‌دهنده این است که استدلال اخلاقی، آنقدر که اصالت نفعیان متعارف فکر می‌کنند، ساده نیست؛ به عبارت دیگر، تنها چیزی که وظیفه‌گرایان بیان کرده‌اند، این است که غیر از نتایج و پیامد اعمال، وظیفه و انگیزه و نیت فاعل نیز در عمل مؤثر است و باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، گفته شده است که نتایج پیامد اعمال در تعیین حقانیت آنها، تأثیر به‌مراتب بیشتری از وظیفه و انگیزه فاعل دارند. در نتیجه، فایده‌گرایی در تعیین درستی و نادرستی اعمال، سهم بیشتری نسبت به وظیفه‌گرایی دارد. افزون بر موارد اشاره‌شده، نظریات وظیفه‌گرایانه به فردگرایی اهمیت می‌دهند، اما به ازدیاد خیر عمومی به اندازه کافی اهمیت نمی‌دهند، در مقابل، خودگراها به خیر عمومی اهمیت نمی‌دهند، اما به ازدیاد خیر به نفع خود و سازمان خود اهمیت فراوان می‌دهند (موحدی و گلزار اصفهانی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴)؛ از این رو نظریه فایده‌گرایی قاعده‌نگر به‌عنوان یک رویکرد مطلوب با مثال‌هایی از نظریات تفسیری شورا بررسی خواهد شد.

## رویکرد اخلاقی فایده‌گرایی قاعده‌نگر

### ۱. تعریف فایده‌گرایی قاعده‌نگر

فایده‌باوری، سودمندگرایی، منفعت‌گرایی یا اصالت‌سود، شاخه‌ای از نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایانه یا غایت‌شناسانه در اخلاق هنجاری است. هنری آر. وست، پیامدگرایی را به‌عنوان نامی برای یک نظریه اخلاقی یا طبقه‌ای از نظریات اخلاقی می‌داند که اعمال را بر مبنای ارزش پیامدهای اعمال ارزیابی می‌کنند (وست، ۱۳۹۶: ۲۴۹). فایده‌گرایی در یک دسته‌بندی مشهور به دو قسم عمل‌نگر و قاعده‌نگر تقسیم می‌شود؛ مرجع و مقسم این تقسیم رویکردهای متفاوتی است



که فایده‌گرایان در توسل به اصل سود و خیر، اتخاذ می‌کنند. فایده‌گرایی عمل‌نگر که از آن به فایده‌گرایی مستقیم یا فایده‌گرایی نامحدود هم تعبیر می‌شود، توجه و توسل به هیچ قاعده و قانون کلی‌ای را معتبر نمی‌شمارد و مستقیماً افعال و نتایج و پیامدهای آنها را ارزیابی می‌کند و طبق اصل سود به ارزشیابی می‌پردازد. در واقع، فایده‌گرایی عمل‌نگر، در هر مورد جزئی و خاص مستقیم و بی‌واسطه به اصل سود برای تبیین و تعیین آنچه درست و نادرست است، تمسک می‌کند و با تأمل در اینکه کدام‌یک از دو یا چند عمل پیش رو تحقیق یا محتملاً بیشترین میزان سود و یا غلبه خیر بر شر را ایجاد می‌کند، به ارزش‌گذاری می‌پردازد (فرانکنا، ۱۳۹۲: ۹۰). البته آشکار است که ملاحظه تک‌تک موارد و امور جزئی و انطباق مستقیم آنها با مفاد اصل سود، تکلف‌زاست و بلکه مشکل و غیرممکن است و از طرفی ما را با مشکلات دیگری مواجه می‌کند؛ چه‌بسا فرد تحت تأثیر تعصبات و عواطف شخصی قرار گیرد یا با کمی فرصت روبه‌رو شود یا اینکه به سبب مشقت این امر به بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری و غفلت تن در دهد. از این‌رو، فایده‌گرایان قاعده‌نگر ضمن تأکید بر نقش قواعد عام و جاافتاده در ملاحظات فایده‌گرایانه برخلاف فایده‌گرایان عمل‌نگر در اغلب موارد، با تمسک به یک قاعده مانند قاعده معروف و متعارفی همچون عدالت یا وفای به عهد و نظایر اینها به تعیین درستی و نادرستی یک عمل در موقعیت‌های خاص، می‌پردازند. به تعبیر دقیق‌تر، فایده‌گرایان قاعده‌نگر ابتدا به قواعد عام اخلاقی رجوع می‌کنند و غیرمستقیم از اصل سود کمک می‌گیرند. آنها از این اصل تنها در تعیین قواعد سودمند که به بیشینه شدن سود و ارتقای درجه سعادت همگانی کمک می‌کند، بهره می‌گیرند. البته باید توجه داشت که از دیدگاه فایده‌گرایان قاعده‌نگر هم، اصل سود، معیار نهایی برای ارزیابی‌های اخلاقی است، اما فقط به‌نحو غیرمستقیم و در سطح قواعد عام به آن توسل می‌جویند، نه در هر مورد جزئی (حسینی سورکی، ۱۳۹۰: ۹۸).

## ۲. نمونه نظریات تفسیری مبتنی بر فایده‌گرایی قاعده‌نگر

تفسیر برخی از اصول قانون اساسی همچون اصول ۴۳ و ۴۹ و ۸۳، قابل تبیین با فایده‌گرایی قاعده‌نگر است. چنانکه در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ در خصوص حق اخذ بهره و

۱. اصل ۴۳: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:  
۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام»
۲. اصل ۴۹: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.»
۳. اصل ۸۱: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت و مؤسسات و شرکتهای ایرانی از دولت‌ها، مؤسسات و شرکتهای خارجی از شورای نگهبان درخواست تفسیر شد؛ شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری به شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ اعلام کرد: «دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص خارجی که برحسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، شرعاً مجاز است؛ لذا مطالبه وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد» (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۷۵). مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا،... و سایر موارد غیرمشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. همچنین مطابق اصل ۴۳ قانون اساسی یکی از ضوابط مهم جمهوری اسلامی ایران در تحقق استقلال اقتصادی جامعه ریشه کن کردن فقر و محرومیت، منع ربا و دیگر معاملات باطل و حرام است. از این رو اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت، مؤسسات و شرکتهای ایرانی از دولت‌ها و مؤسسات و شرکتهای خارجی براساس قراردادهای منعقد شده اغلب از سوی اطراف و مراجع خارجی مغایر با موازین اسلامی و اصول مذکور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود. اما شورای نگهبان مطابق نظریه تفسیری خود اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه را از شرکتهای و مؤسسات خارجی مجاز می‌داند (فایده‌گرایی). البته در صورتی که مطابق مبانی عقیدتی آنها صحیح باشد (فایده‌گرایی قاعده‌نگر).

با عنایت به اصل ۸۱ قانون اساسی در این مورد که آیا شرکتهای خارجی طرف قرارداد با دستگاه‌های دولتی ایران که در کشور خود به ثبت رسیده و فعالیت دارند، می‌توانند به منظور انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد شده با دولت جمهوری اسلامی ایران به ثبت برسند و فعالیت کنند یا خیر؟ نخست‌وزیر وقت از شورای نگهبان نظریه تفسیری درخواست کردند که شورا در نظریه تفسیری شماره ۱۷۷۵ مورخ ۱۳۶۰/۰۲/۰۲ بیان کرد: «شرکتهای خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد شده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد» (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

امروزه عوامل رشد اقتصادی و اجتماعی به نحوی در صحنه گیتی پراکنده است که تجمع آن در هر کشوری بدون توسل به عوامل برون‌مرزی غیرممکن است. در کشورهای صنعتی و پیشرفته دنیا شعور چگونگی برخورد با عوامل اقتصادی و حقوقی سرمایه و در کشورهای توسعه نیافته مواد اولیه و صحنه به نمایش گذاشتن چگونگی برخورد با آن قرار دارد. بنابراین هر دسته از کشورها برای رفع نیازهای اقتصادی و تهیه شرایط رشد اقتصادی نیاز به دیگری دارند. گذشته از این هر یک از این دو مجموعه عوامل در دو دسته کشورهای صنعتی و

توسعه‌نیافته به‌گونه‌ای پراکنده است که به‌نوبه خود هریک را نیازمند دیگری می‌کند. حرکت عوامل اقتصادی و به‌کار گرفتن این عوامل در سطح دنیا از کشوری به کشور دیگر مستلزم جلب حمایت از بین عوامل در کشور سرمایه‌پذیر است. لکن امروزه در هیچ کجای دنیا نوع سرمایه‌گذاری مستقیم مقبولیت ندارد و احساسات ناسیونالیستی مانع استقرار این نوع سرمایه‌گذاری است یا اگر سرمایه‌گذاری از این نوع در اواسط سده بیستم و قبل از آن استقرار یافته است، مورد اعتراض شدید این نوع احساسات است. از همین رو در اصل ۸۱ قانون اساسی ممنوعیت مطلق متوجه «دادن امتیاز» در معنای حقیقی کلمه است، بدین معنی که تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات تجاری در امور تجاری، صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات فقط از طریق اعطای امتیاز (و انحصار) باید ممنوع باشد. پس اگر ممنوعیت مطلق را متوجه تشکیل مؤسسات و شرکت‌های خارجی به هر عنوان و هر نوع (حتی به‌صورت مقاطعه) بسازیم، درحالی‌که امکانات داخلی و دولتی کشور وجود نداشته باشد، امکان هرگونه سازندگی از میان خواهد رفت. از این رو دولت می‌تواند نه از طریق امتیاز، بلکه از طریق سایر قراردادهای (مانند مقاطعه) و با استفاده از شیوه‌های رقابت و مزایده و مناقصه ابتکار عمل در تنظیم قراردادهای مقرون‌به‌صرفه ولو با خارجی‌ان را در دست بگیرد، تا از این طریق، هم عمران و آبادی کشور دچار رکود نشود و هم آنکه با مراقبت تمام منافع جامعه محفوظ بماند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹۱). از این رو شورای نگهبان با رویکرد فایده‌گرایی قاعده نگر، تأمین منافع جامعه از طریق سرمایه‌گذاری خارجی (فایده‌گرایی) و با توجه به قاعده احترام به قرارداد با شرکت‌های خارجی (فایده‌گرایی قاعده نگر) که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند، نظریه تفسیری خود را ارایه نمود.

مطابق تعریف ارائه‌شده از فایده‌گرایی قاعده‌نگر، نظریات تفسیری از اصول ۴۳، ۴۹ و ۸۱ قانون اساسی با رویکرد اخلاقی فایده‌گرایی قاعده‌نگر قابل تبیین است، چراکه شورا در این نظریات ابتدا به یک قاعده عام اخلاقی مانند احترام به عقاید دینی و احترام به قراردادهای منعقد شده تمسک کرده و با توجه به سود و منفعتی که برای جامعه حاصل می‌شود (خیر عمومی)، اقدام به تفسیر کرده است.

### ۳. نقد و بررسی نظریات تفسیری اصول ۴۳ و ۴۹ و ۸۱ قانون اساسی با اخلاق

#### فایده‌گرایی قاعده‌نگر

تمسک به قاعده اخلاقی همراه با توجه به پیامد اعمال و خیر عمومی، موجب افزایش کارآمدی خواهد شد. در ادامه به نقد و بررسی نظریات تفسیری اصول ۴۳، ۴۹ و ۸۱ قانون اساسی با شاخص‌های رویکرد اخلاقی فایده‌گرایی قاعده‌نگر می‌پردازیم.

**الف) توجه به قاعده اخلاقی:** چنانکه اشاره شد، فایده‌گرایی قاعده‌محور، دیدگاهی است که براساس آن درست بودن یک عمل را باید بر مبنای خوب یا بد بودن قاعده‌ای تعیین کرد که هر فردی می‌بایست در شرایط مشابه به آن عمل کند؛ یعنی با استفاده از قواعد عام تأکید دارند و معتقدند نباید و نمی‌توان در هر موقعیت جزئی به سنجش پیامدها دست یازید، بلکه باید قواعدی را که بیشترین میزان سود را به‌بار می‌آورند، ملاک درستی و ارزش‌گذاری اعمال لحاظ کرد (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۹). برای مثال، طبق فایده‌گرایی قاعده‌محور، شورای نگهبان در نظریه تفسیری اصل ۸۱ قانون اساسی باید این امر را در نظر بگیرد، اگر اجازه ثبت شرکت‌های خارجی که با طرف ایرانی قرارداد دارند، داده نشود، چه نتایجی در پی خواهد داشت. باید از خود پرسد که اگر این عمل، کاری عمومی یا ضابطه‌ای کلی شود، چه پیامدهایی دارد. بنابراین فایده‌گرایی قاعده‌محور به نتایج عام شدن و قاعده شدن آن کار، نظر دارد. به بیان دیگر، براساس فایده‌گرایی قاعده‌محور باید پرسیم بهترین کار چیست؟ برای نمونه در همین مثال، چه قاعده‌ای در صورت تبعیت کشور از ثبت و اجازه فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران نتایج بهتری دارد؟ از این‌رو در رویکرد اخلاقی فایده‌گرایی قاعده‌نگر نقش قواعد اخلاقی بسیار حائز اهمیت است و برای دستیابی به حقوق اساسی اخلاق‌گرا که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های شهروندان است، باید به کلیت و اطلاق هنجارهای اخلاقی قائل باشیم. در غیر این صورت، هر جامعه‌ای و هر زمانی اخلاق خاصی را اقتضا می‌کند که بر مبنای آن، حقوق اساسی نیز توجیه اخلاقی پیدا خواهد کرد. در نتیجه، باید فجاجع انسانی مانند برده‌داری، نسل‌کشی یا شکنجه را به این دلیل که در یک نظام اعتقادی خاص به لحاظ اخلاقی موجه شمرده می‌شود، در حقوق اساسی بپذیریم و آن را موجه تلقی کنیم. پس ارائه رویکرد اخلاقی در حقوق اساسی به این امر وابسته است که اطلاق و جهان‌شمولی قواعد اخلاق پذیرفته شود. بر این اساس، اصول اخلاقی مبتنی بر قواعد کلی‌اند که به‌طور وجدانی قابل درک و تصدیق‌اند. بداهت حسن عدل و قبح ظلم برای همه افراد در هر زمان و مکانی قابل درک است (فقیهی و فقیهی واعظی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). بدین سبب است که گفته شده، فایده‌گرایی قاعده‌نگر نگاهی همانند اخلاق وظیفه‌گرا دارد و معتقد است که اصل و قاعده وفای به عقد و قرارداد در نظریه تفسیری اصل ۸۱ قانون اساسی چون در مجموع نفع بیشتری برای جامعه دارد، باید در هر حالی اجرا شود، حتی اگر در موارد خاصی ضرر بیشتری داشته باشد.

**ب) توجه به نتیجه عمل و خیر عمومی:** باید توجه داشت که تحلیل وظیفه‌گرایان با فایده‌گرایان قاعده‌نگر در درستی وفای به عقد و قرارداد متفاوت است؛ وظیفه‌گرا آن را به سبب درستی ذاتی‌اش الزامی می‌داند و فایده‌گرای قاعده‌نگر به علت نتایج سودمندش برای جامعه. بنابراین مخالفت و نزاع اصلی وظیفه‌گرایان با فایده‌گرایان قاعده‌نگر در این است که می‌گویند عمل به سبب نتایجش، الزامی یا غیرالزامی، درست یا نادرست می‌شود. وظیفه‌گرایی

می‌گوید وفای به قرارداد باید انجام گیرد، حتی اگر نتایج خوبی نداشته باشد. از این رو مدافعان فایده‌گرایی قاعده‌نگر، همانند وظیفه‌گرایی بر نقش محوری قواعد در اخلاق، تأکید دارند و معتقدند که معمولاً (اگر نگوییم همیشه) باید با توسل به یک قاعده اخلاقی مشخص کنیم که در موارد جزئی چه کاری انجام دهیم. اما برخلاف وظیفه‌گرایان، این نکته را می‌افزایند که همیشه باید قواعد را با این سؤال مشخص کنیم که کدام قاعده بیشترین خیر عمومی را برای جامعه فراهم می‌کند. به سخن دیگر، پرسش این نیست که کدام عمل بیشترین سود را دارد، بلکه باید دانست که کدام قاعده دارای بیشترین سود است. بدین ترتیب، اصل سود نه در تعیین نوع عمل جزئی، بلکه در تعیین نوع قاعده‌ای که باید براساس آن عمل کرد، دخیل است. در این دیدگاه، انتخاب قاعده یا ابقا یا تعویض و تجدیدنظر در آن باید بر پایه سود آنها صورت پذیرد. بنابراین معیار نهایی سود است، اما نه در سطح احکام جزئی، بلکه در سطح قواعد (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۰). برای مثال شورای نگهبان مطابق نظریه تفسیری که از اصول ۴۳ و ۴۹ داشته است، اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه را از شرکت‌ها و مؤسسات خارجی بر مبنای سود و منفعت جامعه مجاز می‌داند و از همین رو قاعده اخلاقی که بتوان اخذ سود را توجیه و براساس آن عمل کرد، قاعده احترام به عقیده و دین معین کرده است. در نتیجه در فایده‌گرایی قاعده‌نگر از یک طرف، منافع جامعه از طریق سود و منفعتی که شناسایی می‌شود، تأمین می‌گردد و از طرف دیگر، چون متکی به یک قاعده اخلاقی درست است، حقوق و آزادی‌های شهروندان هم تضمین می‌شود.

**ج) افزایش کارآمدی در نظریه اخلاقی فایده‌گرای قاعده‌نگر: مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از تمامی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند. همچنین به فرصت‌های موردنظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به‌عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای براساس نظم و عدالت دارد. از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در قانون اساسی و شرع مقدس اسلام، توجه به کرامت انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد، رنگ، پوست و...، هدفمند کردن خلقت انسان و بیهوده نبودن زندگی انسان است. از این رو مفسر قانون اساسی با توجه به محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی و اراده واضعان آن که تضمین حقوق ملت است، باید قانون را تفسیر کند: (Miller & Huscroft, 2001). (16-17 در این حالت است که براساس اخلاق فایده‌گرایی قاعده‌نگر قانون اساسی تفسیر شده است و خیر عمومی و حقوق و آزادی شهروندان تضمین خواهد شد.**

کارآمدی از مهم‌ترین شاخصه‌های عملکرد مثبت یک سیستم در جهت اهداف و برنامه‌های

از پیش تعیین شده است. به بیان دیگر، کارآمدی از ابزارهای سنجش موفقیت در هر دستگاه و سازمانی محسوب می‌شود. به این ترتیب ناکارآمدی مساوی است با موجه نبودن ادامه فعالیت. در این صورت تصمیم‌سازان باید به سمت و سوی برنامه‌های دیگر حرکت کنند. در واقع کارآمدی اگرچه مفهومی از علم مدیریت است، به سرعت جای خود را در قالب مفاهیم بنیادین حقوقی باز کرده و از ارکان مطلوبیت حکومت شده است.

برخی (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۸: ۲۲۷)، عقیده دارند محاسبه سود و زیان و تصمیم‌گیری براساس نتایج ممکن است، به رشد و کارآمدی یک نظام سیاسی منجر شود. لکن این تحلیل نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا باید در کنار مفهوم کارآمدی به پایداری آن نیز توجه کرد. به بیان دیگر یک حکومت یا دستگاه حکومتی کارآمد، دستگاهی است که بتواند با بهره‌گیری از امکانات موجود حداکثر بازدهی عمومی یعنی «رضایت عمومی» و «تحقق اهداف اساسی» مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی را فراهم آورد. از این رو تفسیر اصول قانون اساسی بر مبنای سود و زیان (آنچنان که در نظریه خودگرایی آمد) یا صرف توجه به حقوق و آزادی‌های فردی (نظریه وظیفه‌گرایی) موجب کارآمدی نظام نخواهد شد، به بیان بهتر، صرفاً ممکن است با تضییع حقوق و آزادی‌های شهروندان موجبات افزایش موقتی قدرت دولت را فراهم کند یا با تحدید قدرت و تقویت فردگرایی، حاکمیت را در حمایت مناسب از محیط اجتماعی دور نگه‌دارد. بنابراین کارآمدی نظام سیاسی بر مبنای آنچه در نظریه اخلاقی فایده‌گرایی قاعده‌نگر مذکور افتاد، از طریق عمل یا قاعده عملی است که بر مبنای قواعد اخلاقی، بیشترین خیر عامه حاصل شود.

## نتیجه‌گیری

با نگاهی به رویه شورای نگهبان به‌عنوان مفسر قانون اساسی مبرهن شد که این نهاد دست‌کم در تفسیر اصول قانون اساسی رویکرد اخلاقی خودگرا، وظیفه‌گرا و فایده‌گرای قاعده‌نگر داشته است. چنانکه مقاله حاضر نشان داد، رویکرد خودگرایی شورا می‌تواند تحدید حقوق و آزادی شهروندان را در پی داشته باشد، چراکه تنها الزام یک خودگرا ایجاد بیشترین سود برای خود یا گروه مدنظر خود است. در این صورت اصل سود شخصی یا سازمانی، همه اصول و ارزش‌های دیگر، از جمله آزادی، حقوق فردی و کرامت انسانی را به حاشیه می‌برد. از این رو رویکرد خودگرایی نمی‌تواند به استحکام و استقرار بیشتر قانون و تضمین حقوق و آزادی شهروندان که از مهم‌ترین رسالت‌های قانون اساسی است، کمک کند. از طرف دیگر، با نمونه‌هایی که از نظریات تفسیری ذکر شد، اصولاً شورای نگهبان رویکرد وظیفه‌گرایی اخلاقی داشته است؛ بدین معنی که بدون توجه به اینکه سود حاصل از تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان چیست، فراهم کردن آن را برای هر شهروند یک تکلیف می‌داند. وظیفه‌گرایی، احترام به خود ارزش را

الزامی می‌داند، فارغ از اینکه این رفتار چه نتایجی در پی داشته باشد. اما از آنجا که مهم‌ترین شاخصه‌ای که رویکرد اخلاقی وظیفه‌گرایی دارد، شخص‌محوری (فردگرایی) و ارزش‌محوری است و صرفاً به قاعده توجه دارد، اما به ازدیاد خیر و منفعت عمومی به اندازه کافی اهمیت نمی‌دهد، از این رو در این مقاله نظریه فایده‌گرایی قاعده‌نگر به‌عنوان رویکردی بهتر که هم سود جامعه (منافع عمومی) در آن ملحوظ می‌شود و هم حقوق آزادی‌های شهروندان را تأمین می‌کند، پیشنهاد می‌گردد. در فایده‌گرایی قاعده‌نگر برخلاف اخلاق خودگرایی، سود موردنظر کلیت و عمومیت دارد و از طرف دیگر، در این نظریه خوبی یا بدی افعال برخلاف اخلاق وظیفه‌گرایی که به صورت جزئی مربوط به موقعیت خاص افراد تعیین می‌شود، نبوده؛ بلکه مربوط به سودی است که طبق قواعد اخلاقی و با در نظر گرفتن حقوق و آزادی‌های شهروندان حاصل می‌شود. از این رو نظریه فایده‌گرایی قاعده‌نگر نقش بیشتری در سازگاری قواعد اخلاقی کلی و عقلانی با اصول حقوق اساسی خواهد داشت. بنابراین مطابق نمونه نظریات تفسیری که از شورای نگهبان آورده شد، فایده‌گرایی قاعده‌نگر منفعت بیشتر برای بیشترین افراد، بیشترین عمق، طولانی‌ترین و ثمربخش‌ترین منفعت، همراه با بیشترین نتایج مطلوب احتمالی را دارد.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. بلوم، ویلیام، تی (۱۳۷۳)، *نظریه‌های نظام‌های سیاسی*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر آران.
۲. حاج‌زاده، هادی، (۱۳۹۴)، *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سالم‌سازی اسلامی.
۳. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۹۲)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: کتاب طاها، چاپ چهارم.
۴. فتحی، محمد؛ کاظم کوهی اصفهانی (۱۳۹۷)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظریات تفسیری شورای نگهبان*، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، تهران.
۵. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۸). *در تکاپوی حقوق اساسی*، چاپ دوم، انتشارات جنگل، تهران.
۶. لسناف، مایکل، (۱۳۷۸)، *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر کوچک.
۷. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش، جلد دوم.

۸. علیا، مسعود، (۱۳۹۱)، فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق، چ اول، انتشارات هرمس، تهران.
۹. نیگل و همکاران (۱۳۹۲)، دانش‌نامه فلسفه اخلاق، مترجم انشاءالله رحمتی، ناشر سوفیا.
۱۰. مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، مجموعه نظریات تفسیری شورای نگهبان، چاپ دوم، انتشارات ریاست جمهوری، تهران.
۱۱. هولمز، رابرت (۱۳۸۵)، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان. جلد یک.
۱۳. .... (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهاردهم، نشر میزان، تهران. جلد دوم.

## ب) مقالات

۱۴. اترک، حسین (۱۳۸۹)، «وظیفه‌گرایی اخلاقی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۲۷-۳۵.
۱۵. جان. جی. سی. اسمارت (۱۳۹۶)، «فایده‌گرایی»، دانشنامه فلسفه اخلاق (مجموعه مقالات)، ویراسته پل ادواردز/دونالد ام. بورچرت، مقدمه، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا، چاپ دوم.
۱۶. حبیب نژاد، سید احمد؛ منصوری بروجنی، محمد (۱۳۹۸)، «ساحت‌های اخلاق در قانون اساسی ایران با تأکید بر رویکرد دینی»، فصلنامه فلسفه دین، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۶۱-۸۲.
۱۷. حسینی سورکی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظریه خودگرایی اخلاقی»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲۹، صص ۲۰۹-۲۳۱.
۱۸. حسینی سورکی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد سودگرایی‌گرایی اخلاقی»، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم، سال دوازدهم، شماره ۳.
۱۹. رستمی، هادی (۱۳۹۵)، «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۸۷-۲۲۲.
۲۰. سعیدی، فاطمه؛ علم الهدی، سید علی؛ قاسم پور، محسن (۱۳۹۷)، «شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امیرمومنان ع از دیدگاه نهج‌البلاغه»، دوره ۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان، صص ۶۱-۸۲.
۲۱. فقیهی، سیده فاطمه؛ فقیهی واعظی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، «رویکرد اخلاقی در تحلیل حقوق اساسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۱۵۰-۱۶۶.
۲۲. قطبی، میلاد؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۵)، «محدودیت‌های آزادی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه حقوق بشر اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، صص ۵۵-۸۰.



۲۳. کرسگارد، کریستین (۱۳۹۷)، «سرچشمه ارزش از نظر ارسطو و کانت»، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۱۶، صص ۹۵-۱۲۰.
۲۴. مظهری، محمد؛ قاسم آبادی، مرتضی؛ ناصری، علیرضا (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر موارد و شرایط تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی؛ موضوع اصل ۶۹ قانون اساسی ج.ا.ا.»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۶.
۲۵. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۸)، «مفهوم مصلحت نظام و مرجع تشخیص آن در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه حکومت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره اول، صص ۵۷-۹۸.
۲۶. موفق، علی‌رضا؛ هادوی نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «مبانی اخلاق مصرف از دیدگاه مبانی سودگرایی، وظیفه‌گرایی در اسلام»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال نهم، صص ۳۳-۵۷.
۲۷. نصیری، منصور (۱۳۸۹)، «نظریه «برین سودگرایی» در اخلاق و تطبیق آن با نظریه فایده‌گرایی»، *فصلنامه پژوهشی پژوهشنامه اخلاق*، سال سوم، شماره ۹، صص ۹-۳۸.
۲۸. هریسی‌نژاد، کمال‌الدین؛ انصاری‌پور، مریم (۱۳۹۳)، «تحلیل موضع نظام حقوقی ایران در قبال رادیو و تلویزیون خصوصی و چالش‌های فرا راه آن»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، شماره ۲، دوره ۴۴، صص ۲۷۵-۲۹۱.
۲۹. هنری آر، وست (۱۳۹۶)، «پیامدگرایی»، *دانشنامه فلسفه اخلاق (مجموعه مقالات)*، ویراسته پل ادواردز/دونالد ام. بورچرت. مقدمه، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا، چاپ دوم، صص ۲۲۹-۲۶۵.

## ۲. انگلیسی

### A) Books

1. Adams, David, M, (2005), *Philosophical Problems in the Law*, 4th edition, Belmont: Thomson Wadworth.
2. Bluhm, William, T., (1373), *Theories of the Political System*, translated by Ahmad Tadayon, Tehran: Aran Publishing ([In Persian](#)).
3. Fathi, Mohammad & Koochi Esfahani, Kazem, (2018), *The Constitution of the Islamic Republic of Iran with Interpretive Theories of the Guardian Council*, First Edition, Tehran: Guardian Council Research Institute Publications ([In Persian](#)).
4. Frankena, William K., (1988), *Ethics*, translated by Hadi Sadeghi, Qom: Taha book publication, fourth edition ([In Persian](#)).
5. Gorji Azandariani, Ali Akbar (2009), *In Struggle for Constitutional Rights*, Second Edition, Tehran: Jangal Publications ([In Persian](#)).
6. Hajzadeh, Hadi, (1394), *Introduction to the concepts of public law*, Tehran: Publications of Islamic Studies Office ([In Persian](#)).
7. Hare, R. M., (1999), *Objective Prescriptions and Other Essays*, ( Oxford, Clarendon Press).
8. Hashemi, Seyed Mohammad (2008), *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran (General Principles and Foundations of the System)*, 8<sup>th</sup> Edition, Tehran: Mizan Publications, Vol. I ([In Persian](#)).
9. ----- (1386), *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, 14<sup>th</sup> Edition, Tehran: Mizan Publishing, Vol.II ([In Persian](#)).
10. Holmes, Robert (2006), *Basic Moral Philosophy*, translated by Massoud Olya, Tehran: Qoqnous Publications ([In Persian](#)).
11. Huscroft, Grant & Miller, Bradley (2011), *The Challenge of Originalism Theories of Constitutional Interpretation*, Cambridge: Cambridge University Press, First published.
12. Lessnoff, Michael, (1999), *Political Philosophers of the Twentieth Century*, Translated by Khashayar Dihami, Tehran: Koochak publication ([In Persian](#)).
13. Mehrpour, Hossein (2009), *Collection of Interpretive Theories of the Guardian Council*, Second Edition, Tehran: Presidential Publications.. (in persian)
14. Nagel, Thomas (1937), *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, translated by Inshallah Rahmati, Sophia Publication ([In Persian](#)).
15. Olya, Massoud (2012), *Descriptive Dictionary of Philosophy of Ethics*, Vol. I, Tehran: Hermes Publications ([In Persian](#)).
16. Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad (2015), *Human Rights in the Contemporary World*, Second Edition, Tehran: Shahr-e-Danesh Publications, Vol. II ([In Persian](#)).

### B) Articles

17. Atrak, Hossein (2010), "Ethical Conscientiousness", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Fifth Year, No. 1 and 2, pp. 27-35 ([In Persian](#)).

18. Faghihi, Seyedeh Fatemeh & Faghihi Vaezi, Seyed Mehdi (2012), "Ethical approach in the analysis of constitutional rights", *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Year 9, No. 31, pp. 150-166 ([In Persian](#)).
19. Ghotbi, Milad & Bahadori Jahromi, Ali (2015), "Restrictions on Freedom in the Principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran", *Quarterly journals of Islamic human rights*, 5<sup>th</sup> year, 10<sup>th</sup> issue, pp. 55-80 ([In Persian](#)).
20. Habibnejad, Seyed Ahmad & Mansouri Boroujeni, Mohammad (2019), "Areas of ethics in the Iranian constitution with emphasis on religious approach", *Quarterly Journal of Philosophy of Religion*, Vol. 16, No 2, pp. 209-231 ([In Persian](#)).
21. Harisinejad, Kamaluddin & Ansaripour, Maryam (2014), "Analysis of the position of the Iranian legal system in relation to private radio and television and its challenges", *Quarterly Journal of Private Law Studies*, No. 2, Vol. 44, pp. 275-291 ([In Persian](#)).
22. Henry R. West, (2017), "Consequentialism, Encyclopedia of Philosophy of Ethics (collection of articles)", edited by Paul Edwards/ Donald M. Burchert, Introduction, translation and editing by Inshallah Rahmati, Tehran: Sophia publication, pp. 229-265 ([In Persian](#)).
23. Hosseini Suraki, Seyed Mohammad (2006), "Study and Critique of the Theory of Moral Selfishness", *Philosophical-Theological Research*, No. 29, pp. 87-125 ([In Persian](#)).
24. Hosseini Suraki, Seyed Mohammad (2011), "Study and Critique of Ethical Utilitarianism", *Scientific and Research Quarterly of Qom University*, Twelfth Year, No. 3, pp. 209-231 ([In Persian](#)).
25. John. G. C. Smart, (2017), "Utilitarianism, Encyclopedia of Philosophy of Ethics (collection of articles)", edited by Paul Edwards/ Donald M. Burchert, Introduction, translation and editing by Inshallah Rahmati, Tehran: Sophia publication second edition ([In Persian](#)).
26. Kresgaard, Christine (2018), "The Source of Value from Aristotle and Kant point of view", *Arghanoun Quarterly*, No. 16, pp. 95-120 ([In Persian](#)).
27. Mazhari, Mohammad; Ghasemabadi, Morteza & Naseri, Alireza, (2019), "An Analysis of the cases and conditions of holding a closed session of the Islamic Consultative Assembly; Subject of Article 69 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran", *Public Law Studies*, Vol. 49, No. 2, pp. 131-156 ([In Persian](#)).
28. Mowaffaq, Alireza & Hadavinia, Ali Asghar (2009), "Fundamentals of Consumption Ethics from the Perspective of Principles of Utilitarianism, Deontology in Islam", *Islamic Economics Research Quarterly*, 9<sup>th</sup> Year, pp. 33-57 ([In Persian](#)).
29. Musazadeh, Ebrahim (2009), "The concept of expediency of the system and its reference for recognition in the legislative system of the Islamic Republic of Iran", *Journal of Islamic Government*, Fourteenth Year, No. 1, pp. 57-98 ([In Persian](#)).
30. Nasiri, Mansour (2010), "The theory of utilitarianism in ethics and its adaptation to the common theory of utilitarianism", *Quarterly Journal of Ethics Research*, 3<sup>rd</sup> year, No. 9, pp. 9-38 ([In Persian](#)).
31. Rostami, Hadi (2016). "The opposition of conscientiousness and utilitarianism in the

- justification of punishment", *Journal of Criminal Law*, Year 7, No. 2, pp. 187-222 (In Persian).
32. Saeedi, Fatemeh; Alam al-Huda, Seyyed Ali & Ghasempour, Mohsen (2018), "Characteristics of moral conscientiousness in the moral school of Amir al-Mu'minin from the perspective of Nahj al-Balaghah", Vol. 4, No. 2- Consecutive Issue 8, Autumn and Winter, pp. 61-82 (In Persian).
33. Smart, J. J. C., (2004), "Defending Utilitarianism.", ed. Harry J.Gensler, "Ethics Contemporary Readings", Eral W. Spuring & James org/stable/1953019?&Search=yes&term=constitiution 'Available at: (Accessed 12 November 2014).
34. Subhradipta, Sarkar (2008), "Right to Free Speech in a Censored Democracy", *National Law School of University (NLSIU)*, Bangalore, available at: <http://www.cbfcindia.tn.nic.in>. Visited at: 30/ 4/ 2015.

